

# اهداف و پیامدهای حمله رژیم صهیونیستی به غزه

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۷۹۹

دفتر: مطالعات سیاسی

تیرماه ۱۳۹۳

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۵	مروری بر وقایع جاری.....
۱۰	اهداف رژیم صهیونیستی از یورش به نوار غزه.....
۱۹	واکنش‌های غربی - عربی به یورش رژیم صهیونیستی به نوار غزه.....
۲۰	پیامدهای تهاجم رژیم صهیونیستی به نوار غزه.....
۲۴	نتیجه‌گیری.....
۲۷	منابع و مأخذ.....



## اهداف و پیامدهای حمله رژیم صهیونیستی به غزه

### چکیده

سومین یورش رژیم صهیونیستی به نوار غزه از سال ۲۰۰۹ همزمان با تهاجم داعش به عراق و تلاش برای بی‌ثبات کردن منطقه خاورمیانه، اهداف پشت پرده‌ای را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا روند آشتی تشکیل دولت وحدت ملی را به چالش کشانده و ضمن تلاش برای ارزیابی توان و سلاح جنبش‌های فلسطینی، به‌ویژه حماس، مقاومت را تضعیف کرده و به دنبال به بن‌بست رسیدن مذاکرات سازش در عرصه بین‌المللی، از انزوای بیشتر خود جلوگیری نماید. همچنین این اقدامات همه‌جانبه نظامی به بهانه کشته شدن سه نوجوان صهیونیست می‌تواند با هدف مظلوم‌نمایی به انجام رسیده باشد. ضمن آنکه این روند می‌تواند علاوه بر تلاش برای تسلط بر منابع جدید گازی در سواحل غزه، تروریسم تکفیری جهانی را نیز تقویت نماید.

اما ازسوی دیگر، این حملات، پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را برای رژیم صهیونیستی در پی خواهد داشت که آغاز انتفاضه سوم، تقویت بیش از پیش مقاومت در جنگ اراده‌ها، ورود دیگر گروه‌های منطقه‌ای حامی فلسطینی‌ها، تسری بیشتر ناآرامی‌ها به کشورهای دیگر منطقه، تقویت موقعیت احزاب صهیونیستی مخالف دولت نتانیا هو و شهرک‌سازی و تأثیر بر ساختار هرم قدرت در داخل رژیم اسرائیل در این زمره قرار می‌گیرند.

## مقدمه

نوار غزه (Gaza Strip) نام خود را از شهر غزه که بزرگ‌ترین شهر در این منطقه است، گرفته و باریکه‌ای در کنار دریای مدیترانه و در منطقه خاورمیانه است که از جنوب غربی با مصر مرزی به طول ۱۱ کیلومتر و از شمال و شرق با رژیم صهیونیستی به طول ۵۱ کیلومتر را داراست. در این مرزها ۶ گذرگاه وجود دارد که ۵ گذرگاه به خاک فلسطین اشغالی مرتبط و گذرگاه رفح نیز در مرز مصر با غزه قرار دارد. این منطقه با ۳۶۰ کیلومتر مربع، شهرهای رَفح، بیت لحیا، خان یونس و شماری دیگر از شهرهای کوچک را با جمعیتی بالغ بر یک میلیون و سیصد هزار فلسطینی در خود جای داده است که در حال حاضر نیز ۶۰ درصد از ساکنان این منطقه که یکی از پرجمعیت‌ترین و متراکم‌ترین مناطق جهان را تشکیل می‌دهد، کودکان می‌باشند. هم‌اکنون کنترل نوار غزه در دست نیروهای حرکت مقاومت اسلامی (حركة المقاومة الاسلامیة)، موسوم به حماس، است که از سال ۲۰۰۷، تحت محاصره رژیم صهیونیستی بوده و از ورود بسیاری از کالاها و ملزومات مورد نیاز این منطقه جلوگیری به عمل می‌آید. بر این اساس، مردم غزه سعی کرده‌اند نیازهای خود را از طریق تونل‌های زیرزمینی بین جنوب غزه و صحرای سینا تأمین کنند.

یکی از دلایل اتخاذ راهبرد محاصره فرسایشی غزه توسط رژیم صهیونیستی همین موقعیت جغرافیایی است. اسرائیل به تدریج در طی جنگ‌های سال ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ مناطق بیشتری را از سرزمین‌های فلسطینی، اشغال و در مقاطع زمانی بعدی با حمایت ارتش در سرزمین‌های اسلامی شهرک‌سازی را آغاز کرد. آوی شالائیم،



استاد دانشگاه آکسفورد به عنوان فردی که در اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی در ارتش اسرائیل خدمت کرده، در تحلیل اخیر خود در روزنامه گاردین، هرگونه اقدام نظامی صهیونیست‌ها را از پس از پایان جنگ جهانی دوم مرتبط با برنامه‌های توسعه‌طلبانه و استعمارگونه این رژیم می‌داند به طوری که برای مثال، اشغال کرانه باختری و نوار غزه به دنبال جنگ ۱۹۶۷ تنها به منظور گسترش مرزها و با هدف ایجاد اسرائیل بزرگتر صورت گرفت. وی بر این باور است که تأسیس رژیم صهیونیستی در می ۱۹۴۸ نتیجه همراهی لندن و واشنگتن بوده و حتی سِر «جان تروتسک» در نامه‌ای که در روز دوم ژوئن ۱۹۴۸ خطاب به ارنست بروین، وزیر خارجه وقت انگلیس، نوشت آمریکا را مسئول پیدایش یک «کشور گانگستر» معرفی نمود. جدای از آنکه این رژیم در مدت زمان ۳۸ سال - در فاصله سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۸۴ - این منطقه را در اشغال خود داشته است، در نهایت دو منطقه، شامل کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، همچنان دارای ترکیب عرب - مسلمان باقی مانده و سایر مناطق به اشغال صهیونیست‌های مهاجر درآمد و از لحاظ جغرافیایی نیز ارتباط این دو حوزه عربی با یکدیگر قطع می‌باشد. پس از آنکه جنبش‌های اعتراضی انتفاضه اول و دوم هزینه‌های دیپلماتیک و سیاسی اداره مستقیم این منطقه را برای اسرائیل به‌طور فزاینده‌ای افزایش دادند، دولت آریل شارون در سال ۲۰۰۵ نوار غزه را به نام حمایت از صلح و در واقع فرار از حملات مبارزان فلسطین تخلیه کرد، اما شهرک‌سازی در کرانه باختری را توسعه داد. به دنبال برگزاری انتخابات سراسری تشکیلات خودگردان فلسطین که در سال ۲۰۰۶ تحت نظارت سازمان ملل به انجام رسید، جنبش حماس توانست پیروزی را به دست آورد و اسماعیل هنیه از رهبران این جنبش به

نخست‌وزیری رسید. اما با تحریک سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد)، شناسایی آمریکا و برخی کشورهای منطقه، دولت قانونی فلسطین را رد کردند. با این حال، مردم و حامیان حماس کنترل شهر غزه را در دست گرفته و حماس و دولت فلسطین در این «دولت - شهر» مستقر شدند. رژیم صهیونیستی نیز در مقابل و به منظور مجازات مردم غزه که از حماس حمایت می‌کنند، رویکرد محاصره و ترور هدفمند را در پیش گرفت. این تحریم‌ها و ترور سیستماتیک رهبران حماس توسط اسرائیل به یک رشته درگیری‌های نظامی منجر شد که بزرگترین آنها در اواخر سال ۲۰۰۸ رخ داد که به کشته شدن ۱۳ اسرائیلی و بیش از ۱۵۰۰ فلسطینی، که اکثر آنها غیرنظامی بودند، انجامید. پس از پایان این درگیری‌ها در ابتدای سال ۲۰۰۹ اسرائیل به تشدید محاصره غزه پرداخت که با حمله کماندوهای این رژیم به کاروان کشتی‌های امدادگران خارجی به غزه، موسوم به فلویتیا، که منجر به کشته شدن چندین کمک‌رسان ترک و یک بحران دیپلماتیک بی‌سابقه بین اسرائیل و ترکیه گشت، به اوج خود رسید. همزمان، اسرائیل با محدود کردن شعاع دریایی مجاز برای ماهیگیران فلسطینی ساکن غزه امرار معاش را برای بخش بزرگی از ساکنین این منطقه عملاً غیرممکن ساخت. با این حال، اسرائیل به حملات خود علیه مقامات حماس و سایر گروه‌های فلسطینی ادامه می‌داد که به طور نمونه، ترور رهبر شاخه نظامی حماس در زمستان ۲۰۱۲ منجر به پرتاب راکت از سوی این جنبش و سایر گروه‌های مسلح فلسطینی از غزه به سوی اسرائیل شد که با واکنش ارتش این رژیم به جنگی شدید بدل شد. اجرای آتش‌بس، در نهایت، با وساطت مصر برقرار و به این جنگ پایان داده شد. شرط اصلی این آتش‌بس تقلیل ابعاد و شدت محاصره اقتصادی غزه از سوی



اسرائیل بود و در مقابل، حماس نیز تعهد کرد که از پرتاب راکت از خاک غزه به اسرائیل جلوگیری کند.

## مروری بر وقایع جاری

ناپدید شدن مشکوک سه نوجوان صهیونیست در روز ۲۲ خردادماه و کشف جنازه‌های آنها در روز ۹ تیرماه در نزدیکی شهر الخلیل، که البته تحت کنترل جنبش فتح و تشکیلات خودگردان می‌باشد، انگشت اتهام مقامات تل‌آویو را به سمت حماس متوجه ساخت، امری که با تکذیب این جنبش همراه شد. در پاسخ به ناپدید شدن این سه صهیونیست، رژیم اسرائیل تاکنون صدها فلسطینی را شهید و بیش از یک هزار نفر را نیز دستگیر و زندانی کرده و جنگنده‌های ارتش این رژیم، نوار غزه را آماج بمباران خود قرار داده‌اند. اما آنچه خشم مردم فلسطین را بیش از پیش تشدید کرد و به تظاهرات گسترده مردم در سرزمین اشغالی فلسطین منجر شد، شکنجه و سپس شهادت محمد ابوخضیر، نوجوان ۱۶ ساله فلسطینی، به دست صهیونیست‌های تندرو در شهر بیت‌المقدس بود. البته، همان‌طور که درگیری‌های پیشین نیز نشان می‌دهند، دلایل مستقیم هیچ‌گاه علل اصلی منازعه نبوده‌اند و در حقیقت، دلایل غیرمستقیم در آغاز درگیری‌ها از نقش مهمی برخوردار می‌باشند.

به نظر می‌رسد دیگر تحولات بین‌المللی، از جمله حوادث اخیر در اوکراین و آغاز جنگ سرد جدید بین روسیه و غرب، به‌طور عام، و با آمریکا، به‌طور خاص، موجب دگرگونی در موازنه قدرت و اشنگتن در خاورمیانه شده باشد، که این روند می‌تواند

زمینه‌ساز مناقشات اخیر، همانند ظهور پدیده تروریست‌های تکفیری در سوریه و عراق و همچنین حمله اسرائیل به غزه تلقی گردد که در صدد پر کردن خلأ قدرت غرب در منطقه بوده و حتی می‌تواند بستر حوادث آتی را در حوزه مذکور رقم بزند. طنز قضیه آنجاست که روزنامه جروزالم پست، پیشنهاد اخیر نتانیا‌هو را به دولت او‌باما، بهره‌برداری از داعش برای ضربه زدن به ایران و ایجاد رویارویی شیعه و سنی در جهت تضعیف توان منطقه‌ای این کشور و جلوگیری از نفوذ فزاینده آن، بیان کرده است.

رژیم صهیونیستی نیز با نقض توافق آرامش مقابل آرامش که در نوامبر ۲۰۱۲ با میانجیگری آمریکا و مصر به طور شفاهی بیان شده و به ۸ روز حملات هوایی اسرائیل به اهداف حماس پایان داده بود، ۴۰ هزار نیروی ذخیره خود را فرا خواند و عملیات موسوم به فلات استوار را بر ضد مردم فلسطین در منطقه نوار غزه آغاز کرد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳). دولتمردان اسرائیلی با اتخاذ سیاست فرار به جلو، دلیل اصلی حمله به غزه را رویکرد گروه‌های فلسطینی حاکم در نوار غزه، به‌ویژه حماس، می‌دانند، که عدم شناسایی اسرائیل از سوی این گروه‌ها و موشک‌پرانی از منطقه تحت نفوذ آنها به داخل سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ از آن جمله بوده و به همین علت، مسئولیت کشته شدن فلسطینی‌ها را که ۸۰ درصد آنها را نیز غیرنظامیان تشکیل می‌دهند، متوجه حماس می‌دانند (Falk, 2014).

براساس گزارش سازمان غیردولتی دیده‌بان حقوق بشر اروپا - مدیترانه که دفتر آن در شهر ژنو سوئیس قرار دارد، جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در حملات اخیر خود، موسوم به صخره سخت که از بامداد سه‌شنبه ۱۷ تیرماه آغاز شده است، در



هر سه دقیقه یکبار مناطق مختلفی از نوار غزه را مورد هدف قرار داده‌اند. برپایه گزارش ۲۴ تیرماه روزنامه فرمانطقه‌ای الحیات، رژیم اسرائیل در نبرد جاری تاکنون ۱۵۶۱ بار غزه را هدف حملات موشکی خود قرار داده است و گروه‌های مقاومت فلسطین هم در پاسخ به یورش‌های موشکی رژیم اشغالگر ۱۰۷۴ موشک روانه مناطق صهیونیست‌نشین نمودند. گزارش‌های روزنامه الحیات نشان می‌دهد که سامانه دفاعی گنبد آهنین فقط توانسته است ۱۹۱ موشک گروه مقاومت را رهگیری کند.

به دنبال این حملات، کتائب القسام (گردان‌های عزالدین قسام)، شاخه نظامی حماس و گروهان‌های قدس شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین تهدید کردند که در قالب عملیات «بنیان مرصوص» داخل سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ را هدف موشک‌های خود قرار داده و در چارچوب عملیات «العصف مأكول» محاسبات دشمن صهیونیستی را بر هم زده و جنگ اشباح را رقم خواهند زد. تا پیش از این و حتی در خلال جنگ هشت‌روزه، موشک‌های دست‌ساز معروف به قسام و قدس بیشترین شمارگان را در شلیک علیه مراکز اسرائیلی ۱۹۴۸ به خود اختصاص داده بودند، اما در طول یک هفته پس از شروع نبرد اخیر، علاوه بر موشک‌های گراد که بردی در نهایت ۴۰ کیلومتری دارند، موشک‌های موسوم به ۷۵M و براق ۷۰ که همان بومی‌سازی شده فجره بوده، با بردی معادل ۷۵ کیلومتر؛ موشک موسوم به J۸۰ که بردی معادل ۸۰ کیلومتر دارد و در نهایت موشک دوربرد ۱۶۰R که تاکنون برد ۱۱۰ کیلومتر برای آن ثبت شده به همراه شلیک موشک‌های دوش پرتاب ایگلا و استرلا، تقریباً ۸۰ درصد مناطق صهیونیست‌نشین از جمله منطقه راهبردی و پرجمعیت گوش‌دان را با برخورداری از بیش از ۶۰ درصد ترکیب جمعیتی این رژیم، تحت

پوشش خود قرار داده‌اند. برای نخستین بار در تاریخ درگیری‌های اعراب و اسرائیل، فرودگاه بن گوریون در پایتخت، که بزرگ‌ترین فرودگاه اسرائیل به شمار می‌رود، هدف قرار گرفته و حتی بُرد آنها تل‌آویو را نیز پشت سر گذارده و صحرای نقب، حیفا و منطقه هسته‌ای و نظامی دیمونا، در ۷۰ کیلومتری باریکه غزه، را در تیررس خود قرار داده‌اند. پایگاه اینترنتی «ISRAEL DEFENSE» متعلق به رژیم صهیونیستی در گزارش روز شنبه ۲۸ تیرماه، موشک‌های ضدزره روسی، از نسل سوم موشک‌های ضدمرکاو، موسوم به کورنیت را بزرگترین تهدید بر ضد نیروهای نظامی اسرائیلی دانست که عملیات زمینی خود را در غزه آغاز کرده‌اند. لازم به ذکر است که حزب‌الله لبنان نیز در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، با استفاده از این موشک، تانک‌های مرکاوی اسرائیلی را هدف قرار داد و مانع از پیشروی زمینی آنها در خاک لبنان شد.

همچنین، حمله کماندوهای مقاومت به پایگاهی در سواحل عسقلان و پایگاه دریایی زیکیم در شمال باریکه غزه نیز حکایت از گسترش توان و فعالیت‌های نظامی فلسطینی‌ها داشته است. روزنامه یدیعت آحارونوت رژیم صهیونیستی در گزارش اخیر خود به این موضوع اشاره داشت که از ابتدای درگیری‌های اخیر، صدها فروند موشک به طرف مناطق یهودی‌نشین شلیک شده که سامانه گنبد آهنین، تنها قادر بوده است حدود ۱۰ درصد از این موشک‌ها را رهگیری نماید. این در حالی است که براساس گزارش روزنامه اسرائیلی معاریو، حماس تاکنون فقط از یک‌سوم قابلیت موشکی خود علیه رژیم صهیونیستی استفاده کرده است و ذخایر موشکی فوق‌العاده‌ای نیز در اختیار دارد. استفاده مقاومت فلسطین از موشک‌های جدید که



تاکنون مورد توجه صهیونیست‌ها نبوده، باعث وحشت این رژیم و گمانه‌زنی رسانه‌ها در مورد توان مقاومت شده است. موشک‌هایی که مقاومت را از مرحله بازدارندگی عبور داده و به مرحله برقراری موازنه وحشت رسانیده است.

گفته می‌شود تاکنون از همه موشک‌های مقاومت رونمایی نشده است، اما مهمترین موشک‌ها ام ۳۰۲ است که بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ کیلومتر بُرد دارد و مقاومت، نام موشک رنتیسی را روی آن گذاشته است. در حقیقت، حماس با مقابله به مثل، توافق غیرمکتوب آرامش مقابل آرامش را به «خسونت در برابر خسونت» تغییر داد که البته عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای رای الیوم، از آن به جنگ وحشت تعبیر نموده که می‌تواند با غالب جنگ‌های پیشین اعراب و اسرائیل متفاوت باشد.

در مجموع، با گذشت چند روز از حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه عرصه میدانی با تحولاتی به شرح ذیل روبرو بوده است:

۱. شدت یافتن حملات هوایی رژیم صهیونیستی،
۲. افزایش تعداد و برد موشک‌های پرتاب شده به عمق سرزمین‌های اشغالی

۱۹۴۸،

۳. آغاز حمله زمینی به نوار غزه،

۴. جنایت شجاعیه به دست صهیونیست‌ها و قتل‌عام فلسطینی‌ها در این منطقه،

۵. هلاکت بیش از بیست صهیونیست و زخمی شدن بیش از ۴۰۰ تن از آنها.

## اهداف رژیم صهیونیستی از یورش به نوار غزه

یکی از روش‌های تحلیل موفقیت و یا عدم موفقیت اقدام یک بازیگر در عرصه بین‌المللی توجه به اهداف آن بازیگر در رابطه با کنشگری در یک موضوع خاص و همچنین بررسی دستاوردهای آن در رابطه با آن اهداف می‌باشد. بر همین اساس، به منظور درک واقع‌گرایانه‌تر از پیامدهای حمله اخیر اسرائیل به نوار غزه، بهتر است نخست به اهداف احتمالی این رژیم پرداخته شود، هر چند نمی‌توان یک علت را زمینه‌ساز حمله رژیم صهیونیستی به غزه و انگیزه کابینه بنیامین نتانیاهاو از این اقدام برشمرد. پیش از آن، باید به این نکته نیز اذعان داشت که این اقدامات در زمانی رخ می‌دهند که افکار عمومی جهان معطوف به قضایای عراق، سوریه (ایرنا، ۱۳۹۳) و اوکراین و حتی جام جهانی فوتبال بوده‌اند. لذا این تلقی وجود دارد که فلسطین در اولویت اذهان جهانی قرار ندارد. درواقع، از آنجایی که در عرصه روابط بین‌الملل هرگونه ارزیابی از اقدامات بازیگران را با توجه به اهداف و پیامدهای آن می‌توان مورد توجه قرار داد، بنابراین، می‌توان اهداف احتمالی مقامات تل‌آویو را از یورش همه‌جانبه به مناطق فلسطینی در نوار غزه به شرح ذیل برشمرد:

### ۱. تخریب روند آشتی ملی

یکی از اهداف اصلی رژیم صهیونیستی از حمله اخیر تخریب آشتی ملی است که دو قطب اصلی فتح و حماس، در میان بیش از ۱۸۰ گروه و حزب فلسطینی، پس از حدود هشت سال اختلاف در نهایت در سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ و یک هفته مانده به پایان



ضرب‌الاجل ۹ ماهه، توانستند به وحدت نظری به منظور برگزاری انتخابات جدید و در نتیجه ایجاد یک نظام حکومتی واحد با حضور تکنوکرات‌ها و فن‌سالاران مستقل دست یابند. توافقی که می‌توانست جبهه فلسطینی‌ها را در رویارویی با اسرائیل تقویت کرده و در کنار بازوی دیپلماتیک تشکیلات خودگردان، به بازوی نظامی حماس در دولت فلسطینی نیز رسمیت ببخشد. در نتیجه، بن‌بست مذاکرات میان تشکیلات خودگردان و رژیم اسرائیل در کنار تفاهمنامه فتح و حماس، به‌عنوان دو تشکیلات مجزا در رام‌الله و غزه، که تشکیل یک دولت وحدت ملی را به‌دنبال دارد و از منظر برخی مقامات اسرائیلی می‌تواند زمینه تندرو شدن تشکیلات خودگردان را فراهم آورد، از جمله علل این حملات محسوب می‌شوند. بنابراین، ایجاد اختلاف میان گروه‌های فلسطینی با تلاش برای رادیکالیزه کردن رویکرد حماس به مذاکرات بهترین سیاست از نظر مقامات تل‌آویو برای کاهش تأثیر مقاومت قلمداد شده که می‌تواند این رژیم را در حاشیه امن قرار دهد. با این تفاسیل تهاجم اخیر علیه غزه را باید در چارچوب استراتژی عمومی اسرائیل مبنی بر جلوگیری از تشکیل دولت وحدت ملی از طریق اخلال در مذاکرات صلح و اتحاد سیاسی فلسطینیان که لازمه این امر است، توضیح داد. هزینه این استراتژی اسرائیل برای ساکنین غزه نیز در شرایط آتش‌بس محاصره، بیکاری و فقر، و در شرایط جنگی مرگ، مصیبت و ویرانی است. این توافق هرچند بر سر تشکیل دولت فلسطینی در داخل مرزهای ۱۹۶۷ است، اما از نظر صهیونیست‌ها می‌تواند به تقویت و ارتقای توان گروه‌های فلسطینی در همکاری برای ایفای حقوقشان منجر شود. در نتیجه، حمله نظامی و مستمر اسرائیل به غزه تلاشی در جهت بر هم زدن نظم جدید در حال شکل‌گیری در فلسطین از طریق روش‌های

جنگ‌طلبانه است که هدف آن تحریک تشکیلات خودگردان به تجدیدنظر در رابطه سیاسی با حماس نیز می‌باشد.

این باور وجود دارد که مدل سیاسی مقاومت که از سوی جنبش حماس ارائه شده است (Baroud, 2014)، می‌تواند بر رویکرد سیاسی و همراه با سازش تشکیلات خودگردان غالب شده و حتی با تشکیل دولت وفاق ملی فشار موجود بر حماس نیز تا اندازه‌ای کاهش یابد، لذا این حمله فرصت بازسازی را از این جنبش می‌تواند سلب کند. در نشست بدون نتیجه با هدف سازش که در ماه آوریل برگزار شده بود نیز، دولت نتانیاهو از توافق آشتی و مذاکره صلح با تشکیلات خودگردان فلسطینی طرفه می‌رفت به این بهانه که تشکیلات مزبور همه فلسطین را نمایندگی نمی‌کند. جالب آنکه، پس از توافق حماس و فتح، وی اعلام کرد که با وجود حماس دولت او حاضر به مذاکره برای رسیدن به صلح نیست. در پی وقایع اخیر، گیدئون لوی، روزنامه‌نگار سرشناس صهیونیست نیز در روزنامه هآرتص نوشت: «اسرائیل هیچ‌گاه خواهان صلح نبوده است».

هانی البسبوس، استاد علوم سیاسی دانشگاه اسلامی غزه، نیز در گفتگویی با خبرگزاری آناتولی ترکیه بر این نکته تأکید کرد که جنبش حماس به دنبال تشکیل دولت وحدت ملی، از گزینه مقاومت به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار استفاده کرده و نبرد را در زمینه‌های مختلف مدیریت می‌کند که این روند، در نهایت، تل‌آویو را وادار به بازبینی در اقدامات نظامی خود خواهد کرد. به نظر می‌رسد کابینه حاکم بر تل‌آویو، همواره برای ایجاد انشقاق در حکومت «خودگردان - حماس» تلاش کرده و دنبال درگیری‌های فلسطینی - فلسطینی بوده است با این هدف که حماس را به‌طور کامل از



عرصه سیاسی حذف کند یا این که حداقل توانایی‌های موشکی آن را از بین ببرد (النَّهَار، ۱۳۹۳/۴/۲۴).

## ۲. گمانه‌زنی درباره توان مقاومت

آزمودن توان و سلاح مقاومت هدف احتمالی میدانی دیگر به شمار می‌رود، بر این مبنا که صهیونیست‌ها همواره از غافلگیر شدن توسط سلاح مقاومت واهمه دارند، لذا به دلیل بی‌اطلاعی از آخرین توان موشکی و نظامی فلسطینی‌ها، حمله به غزه را سازماندهی کردند تا مقاومت را وادار نمایند توان و سلاح خود را به کار گیرد و در نتیجه، بتوانند برآیندی از توان مقاومت به دست آورند. از سال ۲۰۱۲ و با پایان جنگ هشت‌روزه تاکنون، درگیری‌های بسیار محدودی میان دو طرف در جریان بوده است، بنابراین طرف اسرائیلی بر آن بود تا ارزیابی جدیدی از توان موشکی و نظامی مقاومت به دست بیاورد. انتشار اخباری در ارتباط با موشک‌های ۳۰۲M ساخت سوریه که در غزه از آن با نام ۱۶۰R یاد شده و حتی به طرف حیفا که پس از تل‌آویو قرار دارد، نیز پرتاب شده، یکی از این اهداف بود که البته سامانه ضد موشکی گنبد آهنین قادر نبوده این موشک را منهدم نماید.

## ۳. تضعیف مقاومت

سومین هدف احتمالی، بازدارندگی در قبال حماس و تضعیف مقاومت می‌باشد که بدین منظور، در هر یک از حملات علاوه بر تخریب ساختارهای زیربنایی و خسارت‌های مالی، هم‌میزانی از تجهیزات مقاومت از بین می‌رود و هم اینکه مقاومت

تعدادی از نیروهای خود را از دست می‌دهد. خلع سلاح مقاومت نیز از جمله اهدافی است که اسرائیل همواره به دنبال آن بوده است. گل‌عاد اردان، وزیر اطلاع‌رسانی این رژیم نیز یکی از اهداف و علل آغاز عملیات زمینی به غزه را خلع سلاح مقاومت بیان کرده است. از نگاهی دیگر، این تصور در میان مقامات رژیم صهیونیستی وجود دارد که، همزمان با درگیری ارتش سوریه و نیروهای حزب‌الله لبنان با گروه‌های تروریستی - تکفیری احتمالاً حمایت‌های لازم مالی و نظامی از مقاومت فلسطینی کاهش یافته است.

#### ۴. تقابل با انزوا

جلوگیری از انزوا در عرصه‌های گوناگون را می‌توان از دیگر اهداف مقامات اسرائیلی در جریان حمله به نوار غزه برشمرد. از آنجا که بسیاری از مراکز آکادمیک و دانشگاهی، گروه‌های مذهبی، سازمان‌های غیردولتی (NGOs) رژیم صهیونیستی را محکوم و حتی تحریم نموده، رژیم اسرائیل تلاش می‌کند تا با ایجاد یک فضای احساسی پیرامون این موضوع به روند منزوی شدن خود پایان دهد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی پس از به بن‌بست کشاندن گفتگوهای سازش به دلیل سرپیچی از آزادسازی آخرین گروه اسیران مورد توافق و نیز تأکید بر ادامه روند شهرک‌سازی، که البته به کناره‌گیری مارتین ایندیک میانجی آمریکایی مذاکرات سازش نیز انجامید، با انتقاد بسیاری از همپیمانان غربی نیز روبرو شد، به‌طوری که فرانسه، آلمان، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا به شهروندان خود درباره سرمایه‌گذاری در شهرک‌ها و همکاری با شرکت‌های صهیونیستی هشدار دادند. فشارهای آمریکا برای متوقف



کردن روند شهرک‌سازی و برچیدن شهرک‌های ایجاد شده عملاً دولت تندرو و راستگرایی حاکم بر اسرائیل را در فشار بیش از اندازه‌ای قرار داد که تنها راه خروج از آن شروع جنگی دوباره بود.

آمریکا برای تحت فشار قرار دادن تل‌آویو اقدام زیرکانه‌ای انجام داد و آن هم فشار بر شرکت‌های اسلحه‌سازی این رژیم در سطح جهانی بود تا جایی که شرکت رایتون به‌عنوان مهمترین مرکز صادرات تسلیحات بسیاری از قراردادهای مهم خود را در سطح جهان از دست داد. واشنگتن همچنین بر آلمان فشار وارد کرد تا از ادامه همکاری با وزارت جنگ اسرائیل جهت ساخت شناورهای نظامی و به‌روز کردن زیردریایی‌ها خودداری کند. برخی از منابع نظامی نیز بر این مسئله تأکید دارند که قرارداد یک میلیارد دلاری صادرات تانک میرکاوا به کشور سنگاپور نیز در حال فسخ شدن است. حتی تلاش‌های خورخه ماریو برگولگیو رهبر کلیسای کاتولیک مشهور به پاپ فرانسیس، در سفر چهارم خردادماه به فلسطین اشغالی برای برقراری صلح نتیجه‌چندانی در پی نداشت. این مجموعه را می‌توان در اظهارات فیلیپ گوردون، مشاور کاخ سفید در امور خاورمیانه، خلاصه نمود که اخیراً در یک کنفرانس بین‌المللی به این نکته اذعان داشت که «اگر اسرائیل به اشغالگری پایان ندهد واشنگتن نمی‌تواند سونامی بین‌المللی علیه آن را متوقف کند».

## ۵. مظلوم‌نمایی و فرار به جلو

مظلوم‌نمایی بین‌المللی صهیونیست‌ها در قبال کشته شدن سه نوجوان صهیونیست شهرک‌نشین به‌منظور کسب امتیازات و بهره‌برداری حداکثری از فضای سیاسی

موجود در خاورمیانه، می‌تواند هدف پنجم به شمار رود که بر همین مبنا، نام ۶ تن از رهبران و فرماندهان حماس را در فهرست ترور قرار داده‌اند. حمله گسترده به غزه را از نگاهی دیگر می‌توان تلاش نتانیا هو برای کاهش فشارهای داخلی دانست. کشته شدن سه اسرائیلی در کرانه باختری و شکست اطلاعاتی صهیونیست‌ها در فاصله سه هفته‌ای گم شدن تا یافتن اجساد آنها، موجی از انتقادات را علیه نتانیا هو و تیم امنیتی وی به راه انداخته بود.

## ۶. تسلط بر منابع گازی غزه

ششمین هدف احتمالی را می‌توان در گزارش‌های اخیر مؤسسات و نهادهای بین‌المللی انرژی، به‌ویژه گزارش ماه مارس ۲۰۱۴ / فروردین ۱۳۹۳ اداره اطلاعات انرژی آمریکا، مبنی بر کشف دومین منابع گازی در سواحل غزه در آب‌های دریای مدیترانه موسوم به Gaza Marine Field مشاهده کرد که در سال‌های اخیر و در تقریباً ۳۲ کیلومتری سواحل غزه در دریای مدیترانه کشف شده که البته نیز تاکنون به بهره‌برداری نرسیده‌اند (US EIA, 2014). روزنامه انگلیسی گاردین فاش کرد؛ هدف واقعی اسرائیل از حمله به نوار غزه، تسلط بر منابع گازی کشف شده در سواحل این منطقه و مقابله با بحران انرژی در فلسطین اشغالی است. نشریه بین‌المللی لوموند دیپلماتیک نیز در مقاله‌ای که در نوامبر ۲۰۱۲ منتشر ساخته بود، به سخنان موشه یعلون، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، درباره تلاش برای بهره‌برداری از این منابع گازی نیز اشاره‌ای داشت (Le Monde diplomtique, 2014). براساس آمارهای ارائه شده توسط نهادهای مذکور، حجم ذخایر گاز کشف شده در سواحل



نوار غزه ۱۶۰۰ میلیارد فوت مکعب برآورد می‌شود (US EIA, 2014) که درآمد سالیانه فروش آن به بیش از ۴ میلیارد دلار می‌رسد (Economist, 2014).

## ۷. تقویت جریان تروریستی تکفیری

هدف هفتم را می‌توان در این حوزه بیان نمود که تجاوزات دوباره نظامیان اسرائیلی به غزه بار دیگر توجه افکار عمومی بین‌المللی را متوجه ماهیت واقعی درگیری‌ها در این منطقه از جهان ساخته است که می‌تواند خواسته و یا ناخواسته، کمکی از جانب تل‌آویو برای گروه‌های تروریستی تکفیری در منطقه به شمار رود. بروس ریدل، در مقاله خود که در المانیتور به چاپ رسید، این طور استدلال می‌کند که در اوضاع کنونی که گروه‌های تروریست تکفیری مناطقی از خاورمیانه را عرصه فعالیت خود قرار داده‌اند، حملات رژیم اسرائیل می‌تواند به عاملی برای تقویت «تروریسم تکفیری جهانی» مبدل گردد که در نهایت، می‌تواند نوک پیکان را به طرف تل‌آویو برگرداند.

درواقع این طور تحلیل می‌شود که تلاش‌ها در جهت تشکیل دو جبهه هماهنگ در منطقه ادامه دارد، این دو جبهه شامل جبهه سنی - شیعه در قالب اعراب - ایران است و دیگری جبهه اسرائیل با فلسطین می‌باشد. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی در جهت سرکوب فلسطینی‌ها و ایجاد حاشیه‌ای امن برای خود در سال‌های آتی، تلاش می‌کند تا ایران و اعراب را به تقابل با یکدیگر بکشانند. حمله عراق به ایران با شعار قادسیه و حمایت کشورهای عربی از صدام نیز بخشی از راهبرد مذکور و با همین ادبیات بوده است. درواقع، همان‌طور که پروفیسور علی یوسف نورالدین استاد لبنانی دانشگاه بیروت، عنوان می‌دارد مناقشات و درگیری‌های کنونی در خاورمیانه و شمال

آفریقا، همانند تلاش برای تجزیه عراق، در راستای طرح رژیم صهیونیستی در زمینه ایجاد کشورهای جدید در این منطقه بر مبنای طایفه‌گرایی قرار دارد به طوری که در نهایت یک رژیم جعلی صهیونیستی را در سرزمین‌های فلسطینی تثبیت نماید.

#### ۸. سنگ‌اندازی در مسیر مذاکرات ایران و کشورهای عضو ۱+۵

مذاکرات اخیر هسته‌ای میان تهران و گروه ۱+۵ در وین که از روند رو به پیشرفتی نیز برخوردار بوده است، با پروژه ساختگی ایران‌هراسی مغایرت داشته و برخلاف اهداف صهیونیست‌هاست که همواره تلاش کرده‌اند با طرح این قبیل طرح‌ها، بهره‌برداری لازم را ببرند. بعد از توافق ژنو نیز مقامات تل‌آویو قادر نبودند خشم و نگرانی خود را از توافق ۶ ماهه میان طرف‌های مذکور پنهان نموده و همه ابزارهای فشار خود را بر کاخ سفید وارد کردند. مقامات اسرائیلی و در رأس آنها نتانیا‌هو، همواره در تلاش بوده‌اند تا موضوع حمایت ایران از نیروهای مقاومت را در معادله مذاکرات هسته‌ای وارد نمایند. به نظر می‌رسد حملات اخیر نیز تلاشی در جهت متشنج نمودن فضای بین‌المللی، به ویژه تشدید اختلافات میان ایران و آمریکا، باشد تا از دستیابی به هرگونه توافقی در این خصوص جلوگیری به عمل آید، چراکه کاهش تنش نسبی سیاسی بین تهران و واشنگتن از تأثیر بالایی در جهت حصول به توافق هسته‌ای برخوردار است.



## واکنش‌های غربی - عربی به یورش رژیم صهیونیستی به نوار غزه

با وجود اینکه رژیم صهیونیستی تصریح کرده است فشارهای بین‌الملل نمی‌تواند مانع از ادامه اقدام نظامی آن علیه نوار غزه شود، واکنش‌ها در سطح بین‌المللی در قبال این عملیات ادامه دارد. مصر و قطر و شماری دیگر از کشورهای عربی پیش‌نویس توافق آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و نوار غزه را آماده نموده، که بر همین اساس، رفع محاصره غزه و اجازه ورود اموال به آن و نیز بازگشایی دائمی گذرگاه رفح مشروط بر آن که نمایندگانی از تشکیلات خودگردان و نه حماس مسئولیت آن را برعهده بگیرند از جمله مفاد این توافق است. در مقابل، مقاومت نیز اعلام کرده است که پذیرش پیش‌نویس مذکور مشروط به برقراری آتش‌بس و خودداری صهیونیست‌ها از تجاوز علیه ملت فلسطین همراه با توقف سیاست‌های شهرک‌سازی، بازداشت و کشتار می‌باشد. در حقیقت، اقدام یکجانبه اسرائیل بر ضد فلسطینی‌ها که از آن می‌توان به اقدام تجاوزکارانه نیز تعبیر نمود، به نوعی نقض منشور سازمان ملل متحد و اصول اساسی حقوق بین‌الملل بوده، در حالی که واکنش جانبدارانه و بی‌اساس برخی دیپلمات‌های غربی و رسانه‌های آنها، بر حق این رژیم در دفاع از خود تأکید دارد (Falk, 2014).

هر چند نشست وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب روز ۲۳ تیرماه در قاهره برگزار شد، اما به نظر می‌رسد فلسطینیان دیگر روی رهبران کشورهای عربی حساب باز نمی‌کنند و البته، بازیکنان تیم ملی فوتبال الجزایر را که پاداش‌های مالی ۹ میلیون یورویی خود را در جام جهانی ۲۰۱۴ به ساکنان نوار در

محاصره غزه اهدا کرده‌اند، نماد مردانگی و همبستگی در جهان عرب می‌دانند. همچنین، در حالی که بر اساس شماری از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، از جمله ۲۴۲ و ۳۳۸، اسرائیلی‌ها اشغالگر محسوب می‌شوند، اما نشست روز پنج‌شنبه ۱۹ تیرماه این شورا که درصدد تنظیم قطعنامه آتش‌بس در غزه بود، به دلیل عدم موافقت آمریکا با برخی مفاد آن به تعویق افتاد. این درحالی است که آمریکایی‌ها در کنار سایر شرکای غربی خود از ابتدای تجاوز رژیم صهیونیستی به غزه از اقدام این رژیم حمایت کرده‌اند.

پروفسور علی یوسف نورالدین بر این باور است که دولت‌های عرب موضوع آزادی فلسطین را از اولویت نخست خود خارج ساخته و حتی به ابزاری برای اجرای طرح‌های اسرائیل و آمریکا در منطقه تبدیل شده‌اند، به طوری که رژیم صهیونیستی نیز در شرایط فعلی، از فرصت سوءاستفاده کرده و پروژه نبرد علیه محور مقاومت را با حمله به غزه، به‌عنوان یکی از محورهای آن، تکمیل کند.

### پیامدهای تهاجم رژیم صهیونیستی به نوار غزه

یورش تروریست‌های تکفیری - بعثی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به عراق و به دنبال آن ادعای استقلال منطقه خودمختار کردستان این کشور، موج تازه‌ای از بی‌ثباتی را در خاورمیانه رقم زده و رژیم صهیونیستی تلاش دارد با دامن زدن به آن، اذهان عمومی مسلمانان را درگیر تنش‌های طایفه‌ای کند و خود به اعمال سیاست‌های نژادپرستانه علیه مردم فلسطین ادامه دهد. به نظر می‌رسد نظامیان



اسرائیلی تلاش دارند تا با نفوذ به منطقه نوار غزه و شکستن مقاومت فلسطین و احتمالاً لبنان در آینده، اقدام داعش در تصرف مناطقی در محور منطقه‌ای مقاومت، از جمله در سوریه و عراق، را کامل نمایند. در حقیقت، می‌توان حمله رژی‌م صهیونیستی به غزه را مرحله سوم از عملیاتی دانست که مرحله نخست آن از سه سال پیش علیه سوریه و مرحله دوم آن نیز از یک ماه پیش در عراق کلید خورده است.

محمود عباس، رئیس دولت خودگردان فلسطین، در مصاحبه روز شنبه ۲۱ تیرماه خود با تلویزیون المیادین و در پاسخ به این پرسش که اسرائیل چه عکس‌العملی در برابر کشتار غیرنظامیان فلسطینی از خود نشان می‌دهد، گفت: «اسرائیل فلسطینی‌ها را انسان نمی‌داند تا در مورد کشتار آنان اندوهگین باشد». در نتیجه، به نظر می‌رسد، توقف احتمالی مذاکرات سازش میان تشکیلات خودگردان و نمایندگان اسرائیل از دیگر پیامدهای این حملات به مناطق فلسطینی به شمار رفته که خود می‌تواند باعث تقویت و رشد بیش از پیش مقاومت فلسطینی‌ها شود. اکنون تنها واحدهای عزالدین قسام یا جهاد اسلامی نیستند که وظیفه دفاع از باریکه غزه را بر دوش گرفته‌اند، بلکه احتمال گسترش دامنه مقاومت به دیگر نقاط اشغالی فلسطین نیز افزایش یافته است. این احتمال نیز وجود دارد که در صورت تداوم تهاجم صهیونیست‌ها، ضمن وقوع یک جنگ طولانی دیگر، دامنه آن حتی محدود به اراضی اشغالی نشده و زمینه مداخله برخی جنبش‌های منطقه‌ای، مانند اخوان المسلمین اردن و مصر که سرنگونی دولت محمد مرسی را ناشی از توطئه مشترک آمریکا، عربستان و رژی‌م صهیونیستی می‌دانند، را به منظور حمایت فیزیکی از فلسطینی‌ها فراهم آورد.

از سوی دیگر، این درگیری‌ها می‌تواند نگرانی‌های جدی برای دیگر طرف‌های منطقه‌ای، از جمله اردن، به دنبال داشته باشد. عریب رنتاوی، مدیر مرکز مطالعات سیاسی القدس، که دفتر مرکزی آن در شهر امان قرار دارد، با ذکر این مطلب تصریح نمود که اقدامات اسرائیلی‌ها بر ضد شهروندان فلسطینی باعث گسترش خشم مردمی در میان اعراب، از جمله اردن، می‌شود و می‌تواند معترضان را بر ضد دولت این کشور به خیابان‌ها بکشاند، به طوری که برای نمونه اتحادیه معلمان اردن، به عنوان بزرگترین سندیکای این کشور، خواهان قطع رابطه با اسرائیل شده و بیش از ۳۰ تن از نمایندگان مجلس این کشور نیز درصدد سفر به غزه به منظور اظهار همبستگی با مردم فلسطین می‌باشند. اردن پس از مصر، دومین همپیمان رسمی این رژیم در خاورمیانه و جهان اسلام است که در سال ۱۳۷۳ پیمان صلح موسوم به وادی عقبه را امضا کرد و به موجب آن همچنان مدیریت اماکن مقدس اسلامی و مسیحی بیت‌المقدس را در اختیار دارد.

کافی است این مسئله را یادآور شویم که کابینه‌های پیشین تل‌آویو شانس خود را آزموده و تلاش کردند تا نوار غزه را در جنگ‌هایی موسوم به ستون ابر (جنگ ۸ روزه) در آبان ۱۳۹۱/ نوامبر ۲۰۱۲ و سرب گداخته (جنگ ۲۲ روزه) از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹/ دی‌ماه ۱۳۸۷ تصرف کرده و به مقاومت فلسطینیان پایان دهند، اما در نهایت، با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت، اقدامات خود را نیمه‌تمام رها کرده و حتی پس از چندی اعلام کردند که مقاومت فلسطینی از قبل قوی‌تر شده است. این نمونه‌ها در کنار شکست‌های اسرائیلی‌ها در لبنان از سال ۱۹۸۲ تاکنون و عقب‌نشینی از بخش عمده اراضی اشغال شده این کشور در سال ۲۰۰۰ و سپس جنگ



۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶/ تابستان ۱۳۸۵، باعث تشدید ایستادگی محور مقاومت شده است. تجربه جنگ‌های ۲۲ روزه و ۸ روزه غزه نشان می‌دهند که تکیه فلسطینی‌ها بر راهبرد مقاومت مبتنی بر وحدت است. تحولات اخیر حکایت از آن دارند که کرانه باختری، قدس و حتی اراضی اشغالی ۱۹۴۸ آماده آغاز انتفاضه سوم است، پیامد دیگری که هزینه‌های آن برای رژیم صهیونیستی به مراتب سنگین‌تر از دو انتفاضه پیشین خواهد بود که در سال‌های ۱۹۸۷ و ۲۰۰۰ شکل گرفته بودند.

ارون دیوید میلر، معاون رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات وودرو ویلسون بر این باور است که کرانه باختری و نوار غزه از پتانسیل متراکم شده بالایی به منظور شکل‌گیری یک انتفاضه دیگر برخوردار می‌باشند که احتمالاً گسترده‌تر از دو مورد پیشین و به شکل یک انتفاضه گسترده مردمی خواهد بود. روزنامه القدس العربی، چاپ لندن، در سرمقاله روز ۱۷ تیرماه از این انتفاضه به بهار عربی جدید تعبیر نموده و این طور تحلیل می‌کند، همان طور که معترضان عرب در تونس، مصر، لیبی و یمن با مقاومت در مقابل نظام‌های دیکتاتوری تلاش کرده تا کرامت خود را حفظ کنند، فلسطینیان نیز باید بهار تازه‌ای را تجربه کنند که می‌تواند بسیاری از معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر دهد. همچنین، در حالی که رژیم اشغالگر قدس تاکنون به قدرت بازدارندگی خود مباحثات می‌کرد، اما اکنون موشک‌های مقاومت آن را به چالش کشانده و با تهدید جدی روبرو کرده است. رمزی بارود (Baroud, 2014) در مقاله خود که در روز جمعه ۲۷ تیرماه ۱۳۹۳ در نشریه فارین پالیسی منتشر شد، بر این باور است که به علت ضعفی که محمود عباس، به‌عنوان رئیس تشکیلات خودگردان، با آن روبرو است، علاوه بر تلاش در تأمین انتظارات امنیتی تل‌آویو،

فلسطینیان کرانه باختری را نیز از ورود به عرصه درگیری‌ها با نظامیان اسرائیلی باز می‌دارد، لذا این احتمال می‌تواند مانعی در مسیر وقوع انتفاضه سوم به شمار رود، اما وحدت فلسطینیان می‌تواند سومین قیام فلسطینی را بسیار گسترده‌تر و حتی با محبوبیت بیشتری شکل دهد که در این صورت، قطعاً پیروزی از آن بنیامین نتانیاها نخواهد بود.

همچنین، جنگ در غزه و ترس از وقوع انتفاضه‌ای دیگر که می‌تواند وحدت فلسطینیان را به‌دنبال داشته باشد، قادر است علاوه بر تهدید ماهیت تشکیلات خودگران و به چالش کشاندن سیاست‌های آن، روند ساخت غیرقانونی شهرک‌های صهیونیست‌نشین را نیز با کُندی روبرو سازد (Baroud, 2014).

در داخل رژیم اشغالگر قدس نیز نظرسنجی‌ها حکایت از آن دارند که درصد مقبولیت حزب میرتس که مخالف جنگ و شهرک‌سازی است، در روزهای اخیر افزایش یافته است و بیش از نیمی از اسرائیلی‌ها به‌دلیل ترس از توان مقاومت با هرگونه جنگ با فلسطینی‌ها مخالفند (رای الیوم، ۲۱ تیر ۱۳۹۳). امنیتی نمودن فضای داخلی نیز می‌تواند بر ساختار قدرت در داخل کابینه رژیم صهیونیستی و آینده سیاسی نتانیاهاو تأثیرگذار باشد.

### نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی در شصت‌وششمین سالگرد اشغال سرزمین‌های فلسطینی برای سومین بار در قریب به ۵ سال اخیر یورش همه‌جانبه‌ای را به بهانه قتل سه نوجوان



صهیونیست به نوار غزه آغاز کرده و این در حالی است که جنبش مقاومت حماس هرگونه دست داشتن در ناپدید شدن این سه تن را تکذیب کرده است. رژیم صهیونیستی همزمان با تهاجم داعش به منطقه شامات و تلاش برای قطع ارتباط محور مقاومت، اهداف مختلفی را از تهاجم به باریکه غزه دنبال می‌کند که از آن جمله می‌توان به تلاش برای تخریب روند آشتی میان گروه‌های فلسطینی و تشکیل دولت وحدت ملی، بررسی توان و سلاح مقاومت و تضعیف آن، جلوگیری از انزوا به ویژه پس از به بن‌بست کشاندن مذاکرات سازش، مظلوم‌نمایی بین‌المللی با هدف کسب امتیاز، تقویت تروریسم تکفیری جهانی و تسلط بر منابع جدید گازی در سواحل غزه اشاره کرد.

اما آنچه مسلم است این که این اقدامات نظامی، پیامدهای داخلی و بین‌المللی را برای تل‌آویو به دنبال خواهد داشت که آغاز انتفاضه سوم، تقویت بیش از پیش مقاومت، ورود دیگر عناصر منطقه‌ای به منظور کمک به گروه‌های فلسطینی، گسترش ناآرامی‌ها در دیگر کشورهای منطقه، گسترش مقبولیت احزاب صهیونیستی مخالف جنگ و شهرک‌سازی و تأثیر بر هرم قدرت در داخل رژیم صهیونیستی از آن جمله محسوب می‌گردند.

از سوی دیگر، محور مقاومت نیز تاکنون فشارها و تحریم‌های جدی را پشت سر گذارده و با نوآوری‌های تازه خود در مواردی چون افزایش برد موشک‌های دفاعی، اجرای عملیات کماندویی دریایی، هدف قرار دادن بالگردها و ادوات نظامی ارتش اسرائیل، سدهای دفاعی این رژیم را به چالش کشیده است. در واقع، غزه به عنوان آرامگاه هاشم بن عبد مناف، جدّ دوم پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) همچنان نماد

شکوه، ایستادگی و مقاومت باقی خواهد ماند و به همین دلیل نیز همواره مورد هدف قرار می‌گیرد. در حقیقت همان طور که پروفیسور ادوارد سعید، نویسنده آمریکایی - فلسطینی در کتاب اورینتالیسم (شرق‌شناسی) آورده است، هر قدر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ و سپس از ۲۰۰۹ تاکنون، در اقدامات ضدعربی خود غوطه‌ور می‌شود، به همان اندازه فلسطینی‌ها را بیش از پیش به سمت مقاومت سوق می‌دهد و اسرائیل، برخلاف اراده‌اش در واقعیت، حضور فلسطین را تقویت کرده است (ادوارد سعید، ۱۳۸۷). عبدالباری عطوان نیز در مقاله خود در شماره روز ۲۱ تیرماه روزنامه رأی الیوم با تأیید بر این مطلب، این جنگ را «جنگ اراده‌ها» بیان نمود به طوری که پیروزی از آن کسی است که اراده قوی‌تری داشته باشد؛ نه سلاح قوی‌تر و بر همین اساس، «اراده اهل غزه قوی‌تر و سخت‌تر از سلسله جبال هیمالیاست».

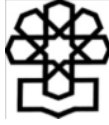
طبیعی است که اقدامات ضدانسانی رژیم صهیونیستی بر ضد مردم مسلمان غزه الزاماتی را فراروی همه کشورهای اسلامی قرار می‌دهد. در مورد جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد، اقدام و هماهنگی از طریق جنبش عدم تعهد که تهران در حال حاضر ریاست دوره‌ای آن را در اختیار دارد، به جای اتحادیه عرب و مواضع انفعالی آن، و اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی، به ویژه در همکاری با برخی اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت سازمان ملل، با هدف لغو فوری و کامل محاصره نوار غزه و ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم فلسطین نتیجه‌بخش باشد. رایزنی با نمایندگان مجالس عربی در قالب دیپلماسی پارلمانی و استفاده حداکثری از ظرفیت موجود به منظور تحت فشار قرار دادن دولت‌های متبوع خود نیز می‌تواند راهکاری



دیگر برای این رابطه در نظر گرفته شود. همچنین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند زمینه برگزاری نشست فوق‌العاده سازمان همکاری‌های اسلامی را فراهم آورد. علاوه بر این، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به منظور ایجاد کمپینی بین‌المللی در حمایت از مردم غزه، هم در سطوح نخبگان و مقامات و هم در لایه‌های اجتماعی، می‌تواند روند اعمال فشار بیشتر به رژیم صهیونیستی و حامیان آن را تقویت نماید.

### منابع و مآخذ

۱. «پیامد تروریسم‌سازی رهبران عرب برای غزه»، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۲۲ تیرماه، ۱۳۹۳.
۲. «فلسطین در انتظار بهار عربی»، پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی، ۲۱ تیرماه، ۱۳۹۳.
۳. ادوارد سعید. شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
۴. سرکیس نعام. «نتانیاهاو مسئول تشدید بحران است یا ایران؟»، النهار، ۲۴ تیر، ۱۳۹۳.
5. "Israel's and Palestine's gas and oil? Too optimistic", The Economist, Jan 23<sup>rd</sup>, 2014.
6. Nafeez Mosaddeq Ahmed "Exclusive November, by Israel's War for Gaza's Gas", Le Monde diplomatique, November, 2012.
7. Ramzy Baroud "Ravaging Gaza: The War Netanyahu Cannot Possibly Win", Foreign Policy Journal, July 18, 2014.
8. Richard Falk "Tormenting Gaza", Foreign Policy Journal, July 15, 2014.
9. The US Energy Information Administration "Country Analysis Note: the Palestinian Territories", March, 2014.



شماره مسلسل: ۱۳۷۹۹

مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اهداف و پیامدهای حمله رژیم صهیونیستی به غزه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: سیدمحمد هوشی سادات

ناظر علمی: مهدی امیری

مقتضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. غزه

۲. حماس

۳. رژیم صهیونیستی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۴/۳۱